

# سنجش سودمندی روش روان‌نمایشگری در بهبود مهارت‌های رفع تعارض مادران با دختران دانش‌آموز سال اول دبیرستان‌های منطقه ۲ تهران

پریسا زابلی

کارشناس ارشد مشاوره دانشگاه خاتم

دکتر باقر ثنائی‌ذاکر

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم

دکتر منصور علی‌حمیدی

عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء(س)

## چکیده

هدف از این پژوهش بهبود روابط دختران سال اول دبیرستان‌های ناحیه دو تهران، با مادران از طریق به کارگیری روش روان‌نمایشگری است. در این تحقیق دو دبیرستان به طور تصادفی به عنوان نماینده‌ای از دبیرستان‌های ناحیه دو آموزش و پرورش شهر تهران انتخاب شدند. از بین دانش‌آموزان سال اول جمعاً ۱۰۰ نفر (۵۰ نفر مدرسه اول، ۵۰ نفر مدرسه دوم) گزینش شدند.

این پژوهش از نوع نیمه آزمایشی پیش‌آزمون و پس‌آزمون بوده که طی آن بعد از به کارگیری ابزار تعارض بر روی نمونه پژوهشی و آن‌هایی که نمره تعارضشان بر اساس آزمون، بیشتر از معیار بود انتخاب و از بین آن‌ها ۱۶ نفر به طور تصادفی به ۲ گروه آزمایش و گواه تقسیم شدند (۸ نفر گروه آزمایش و ۸ نفر گروه گواه). برای هر گروه پیش‌آزمون و پس‌آزمون اجرا شد با این تفاوت که اعضای گروه آزمایش در جلسات روان‌نمایشگری به مدت ۸ جلسه شرکت کردند.

ابزار سنجش در این مطالعه، پرسشنامه رفع تعارض با پدر و مادر بود که شامل ۱۵ پرسش و سه مقیاس استدلال، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی است. نتایج حاصل از داده‌گیری از طریق شاخص‌های توصیفی نظیر میانگین و انحراف معیار و همچنین شاخص‌های استنباطی نظیر آزمون کوواریانس، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج به دست آمده نشان داد که بین عضویت گروهی افراد در جلسات روان‌نمایشگری (آن‌هایی که در جلسات شرکت داشتند و آن‌هایی که شرکت نداشتند) در جهت بهبود مهارت‌های رفع تعارض در دختران تفاوت معناداری وجود دارد. و عضویت گروهی در جلسات روان‌نمایشگری در دختران نوجوان باعث افزایش میزان استفاده از راهبرد استدلال در رفع تعارض با مادر شده است و همین‌طور میزان استفاده از راهبردهای پرخاشگری کلامی و فیزیکی در رفع تعارض با مادر کاهش یافته است.

#### مقدمه

از نظر لغوی، تعارض به معنی اختلاف داشتن و مزاحم یکدیگر شدن (عمید، ۱۳۷۲) است. از نظر مفهومی نیز تعارض را می‌توان نوع دیگر ناکامی بیان کرد که در اثر درگیری دو انگیزه متفاوت ولی هم‌زمان به وجود می‌آید و باعث ایجاد فشارهای شدید در موجود زنده می‌شود (عظیمی، ۱۳۷۰).

به‌طور کلی ریشه‌های تعارض دختر و مادر از نظر فروید در دوران کودکی با پیدایش عقده الکترا در دختر است که به موجب این پدیده دختر می‌خواهد پدر را به تملک خود درآورد و مادر را از میان بردارد (شاملو، ۱۳۷۷). لذا، برای از بین بردن تعارض اجباراً خود را با مادر همانندسازی می‌کند (عظیمی، ۱۳۵۵)، اما رد پای این تعارض در سیر تکامل شخصیت انسان نهفته است (جعفری، ۱۳۸۳).

بعد از دوران کودکی، سال‌های نوجوانی آغاز می‌شود که یکی از پرتنش‌ترین دوران زندگی است. در این دوران نوجوان علاوه بر رشد جسمانی از نظر عاطفی، روانی و اجتماعی نیز رشد قابل توجهی دارد که در این بین با مشکلات و پستی و بلندی‌های متعددی روبرو می‌شود (نجاتی، ۱۳۷۶). با توجه به ویژگی‌های خاص در این دوران، هم برای نوجوان و هم برای والدین، به عنوان افرادی که در زندگی او نقش دارند می‌توان بروز دوباره این تعارض را در نوجوان با والد همجنس خود پیش‌بینی کرد (جعفری، ۱۳۸۳). اما به‌طور قطع نمی‌توان مشخص کرد که در ایجاد این تعارض‌ها چه کسی

بیشترین تاثیر را دارد (والد یا نوجوان). بارها دیده شده است که عدم آگاهی کافی والد و نوجوان از مهارت‌های ارتباطی، ناسازگاری‌های متعددی را به وجود می‌آورد (کیهان‌نیا، ۱۳۷۶). رابطه بین والدین و فرزند، رابطه‌ای منحصر به فرد است. در واقع سه عامل رشد، تکامل و تفاهم موجب عمیق‌تر شدن احساسات ما بین دو نفر می‌شود. گروتوانت و کوپر این رابطه را «بازگویی خصوصیات خانوادگی» می‌نامند که این نوع بازگویی یا انعکاس رفتارهای والدین در روابط فرزندان دیده می‌شود. کشمکش یا نزاع میان والدین و فرزند دور از انتظار نیست اما باید مد نظر داشت که این امر مانع روابط مثبت و سازگارانه بین والد و فرزند می‌شود (ریسج، ۲۰۰۳). لذا در این بین، ارتباط نقش مهمی را ایفا می‌کند (اکبری، ۱۳۸۱). تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده اند به این نکته اشاره دارند که معمولاً بین والدین و نوجوانان روابط اصولی و بر پایه منطق وجود ندارد و بسیاری از والدین و فرزندان رفتار طرف مقابل را تأیید نمی‌کنند (احمدی، ۱۳۷۱). همچنین بیشتر این تعارض‌ها از دور تسلسل و تکرار ارتباط غیرمنطقی بین اعضاء نشأت گرفته است که تمامی این رفتارها، یاد گرفته شده‌اند (هی لی، ۱۳۷۵). پس با توجه به تعریف یادگیری که عبارت است از تغییرات کم و بیش دائمی رفتار که به واسطه تقویت و تمرین به وجود می‌آید، می‌توان رفتارهای نامطلوب و غیرمنطقی را نیز از طریق تقویت و تمرین تغییر داد (عظیمی، ۱۳۷۰). یکی از راه‌های تغییر رفتار، فعالیت‌های مشاوره‌ای در قالب مشاوره‌های گروهی سایکودراما یا روان‌نمایشگری است و با توجه به این نکته که روان‌نمایشگری نیز بر روابط و تغییر رفتار تأکید دارد، لذا این سؤال پیش می‌آید که آیا برنامه مشاوره‌ای که بر پایه روان‌نمایشگری طراحی شده است می‌تواند به بهبود روابط والد و فرزند بیانجامد؟

سایکودراما عبارت است از روش‌های گوناگون روان‌درمانی که در آن افراد مشکلات شخصی خود را در یک گروه به نمایش در می‌آورند. این روش را در سال ۱۹۲۰ روان‌پزشکی اهل وین به نام ژاکوب ال. مورینو ابداع کرده است (استوارت، ۲۰۰۱) که یکی از روش‌های مشاوره گروهی است. بر اساس آن، از میان یک گروه، فردی به عنوان پروتاگونیست یا شخص اول انتخاب و به صحنه آورده می‌شود. شخص اول به کمک کارگردان (درمانگر) به نمایش وضعیت درونی یا برونی (محیطی) خود در صحنه می‌پردازد. همه پرده‌های نمایش فی‌البداهه، خلاقانه و خود انگیخته است، هیچ متنی به

نام متن نمایش وجود ندارد. اعضاء در روان‌نمایشگری بازیگر نیستند. پروتاگونیست (شخص اول) تنها دنیای خصوصی خود را اجرا می‌کند (فتحی، ۱۳۸۰).

در زمینه اثر بخشی روش روان‌نمایشگری بر رفع تعارض‌ها تحقیقاتی انجام شده که به شرح زیر می‌باشد: لاگلین. ان در سال ۱۹۹۲ تحقیقی جهت آزمایش کاربرد سایکودراما در مورد زنان الکلی انجام داد وی در این پژوهش قصد داشت اثر ادراکی (روان‌شناسی) سایکودراما را در درمان زنان الکلی مورد بررسی قرار دهد. لاگلین گروه شش نفره‌ای از زنانی که در مرکز ایرلند شمالی تحت سایکودراما بودند به کمک پرسشنامه و مشاهدات مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که سایکودراما برای چهار نفری که تحصیلات بهتری داشتند و از نظر کلامی به وضوح بیانگر و درونگرا بودند فایده بیشتری داشت. (لاگلین. ان، ۱۹۹۲). رضائیان (۱۹۹۷) تحقیقی تحت عنوان «اثر بخشی سودمندی سایکودراما در درمان بیماران افسرده» انجام داده است. وی اثر بخشی سه روش سایکودراما، درمان روان‌پزشکی مرسوم و ترکیبی از این دو روش را با اجرای پیش‌تست و پس‌تست مورد مقایسه قرار داد. پس از طی دوره درمان (شش ماه) دریافت، که گروه درمانی سایکودراما می‌تواند یک روش روان‌درمانی بالقوه و کارآمد برای کاهش سطوح افسردگی افراد افسرده باشد.

اصغر الهی مقاله‌ای تحت عنوان «نمایش درمانی‌های بومی» در سال ۱۳۷۲ در کنگره روان‌پزشکی فرهنگی و اجتماعی ارائه داده است. وی گزارش می‌دهد که نمایش درمانی یکی از انواع هنر درمانی است که به وسیله آن خصیصه‌های شخصیتی، تضادهای روانی و مشکلات ارتباطی، ارزیابی، تصحیح و درمان می‌شود. وی این روش را برای درمان بیماری‌های روانی مؤثر می‌داند.

مسروب بالایان، مقاله‌ای به عنوان «نقش پسیکودرام در کشف عقده‌های روانی» در مجله گسترش به سال ۱۳۷۱ به چاپ رسانیده است. وی در مقاله خود به این نکته اشاره داشته است که در روان‌شناسی بالینی و درمانی ثابت شده است که یکی از بهترین وسایل مبارزه و درمان نوروها به کارگیری روش روان‌نمایشگری می‌باشد.

زهرا دادجو در سال ۱۳۷۶ تحقیقی تحت عنوان «علل مؤثر بر پیدایش اضطراب مدرسه دانش‌آموزان و اثر بخشی روش سایکودراما در حالات اضطرابی آن‌ها» در اصفهان انجام داده است. وی به این نتیجه رسیده است که روش روان‌نمایشگری می‌تواند بر

کاهش اضطراب مدرسه دانش‌آموزان مؤثر باشد. با یک دید اجمالی می‌توان گفت که تحقیقات انجام شده در این زمینه بسیار اندک است و محدود تحقیقاتی هم که در زمینه روان‌نمایشگری انجام شده است نیز بر اثر بخشی این فن بر روی کاهش تعارض والد و فرزند بحثی به میان نیاورده‌اند. هدف این تحقیق، بهبود روابط دختران نوجوان با مادران از طریق به کارگیری روش روان‌نمایشگری است.

### فرضیه‌ها

در این پژوهش سه فرضیه بررسی شده است:

- ۱- برنامه مشاوره‌ای روان‌نمایشگری باعث افزایش میزان استفاده از راهبردهای استدلالی جهت رفع تعارض دختر در رابطه با مادر می‌شود.
- ۲- برنامه مشاوره‌ای روان‌نمایشگری باعث کاهش میزان استفاده از راهبردهای پرخاشگری کلامی جهت رفع تعارض دختر در رابطه با مادر می‌شود.
- ۳- برنامه مشاوره‌ای روان‌نمایشگری باعث کاهش میزان استفاده از روش پرخاشگری فیزیکی جهت رفع تعارض دختر در رابطه با مادر می‌شود.

### آزمودنی‌ها

جامعه آماری این تحقیق کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع دبیرستان منطقه دو آموزش و پرورش شهر تهران در سال ۱۳۸۳ بودند که دامنه سنی آن‌ها ۱۵ سال و تعداد آنان نزدیک به ۴۰۰۰ نفر بود. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده است. بدین ترتیب که در مرحله اول از منطقه ۲ آموزش و پرورش شهر تهران دو مدرسه انتخاب و در آن دبیرستان‌ها از بین کلیه دانش‌آموزان سال اول ۱۰۰ نفر (۵۰ نفر مدرسه اول و ۵۰ نفر مدرسه دوم) با به کارگیری ابزار تعارض سنج سنجش شدند. در ادامه از بین افراد واجد شرایط (آن‌هایی که بیش‌تر از نمره معیار را در پرسشنامه تعارض کسب کرده بودند و همچنین برای شرکت در جلسات تمایل خود را اعلام کرده بودند) ۱۶ نفر (۸ نفر گروه گواه، ۸ نفر گروه آزمایش) به صورت تصادفی انتخاب شدند.

## ابزار پژوهش

ابزار سنجش در این پژوهش، پرسشنامه رفع تعارض با پدر و مادر است. این پرسشنامه دارای ۱۵ پرسش است که رفع تعارض را از سه راه استدلال، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی و در دو بخش خودم و مادرم می‌سنجد. تحقیقات متعددی همسانی درونی زیر مقیاس‌های استدلال، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی را تأیید می‌کنند که بدین شرح اند: ۱۲ ضریب آلفا برای مقیاس استدلال، دامنه آلفا از ۰/۴۲ تا ۰/۷۶، ۱۶ ضریب آلفا برای مقیاس پرخاشگری کلامی، دامنه آلفا از ۰/۶۲ تا ۰/۸۸ و ۱۷ ضریب آلفا برای پرخاشگری فیزیکی از ۰/۴۲ تا ۰/۹۶ گزارش شده است (ثنائی، ۱۳۷۹). همچنین پایایی این پرسشنامه با کمک ۴۶ نفر از افرادی که دارای ویژگی‌های جامعه پژوهشی این تحقیق بودند و از طریق آلفای کرانباخ محاسبه شد که نتایج زیر به دست آمد:

بخش خودم		بخش مادرم	
استدلال	۵۸/۰	استدلال	۴۹/۰
پرخاشگری کلامی	۶۵/۰	پرخاشگری کلامی	۶۵/۰
پرخاشگری فیزیکی	۸۲/۰	پرخاشگری فیزیکی	۷۴/۰
کل	۷۴/۰	کل	۷۳/۰

به منظور اطمینان از روایی پرسشنامه، به چند نفر از متخصصان منجمله جعفری و امامی مراجعه شد و روایی محتوایی ابزار مورد تأیید قرار گرفت.

## روش اجرای پژوهش

در ابتدا جهت آشنایی افراد با روش روان‌نمایشگری در حین اجرای پرسشنامه تعارض توضیحاتی درباره مفهوم، اصول و قوانین جلسات روان‌نمایشگری برای دانش‌آموزان ارائه شد. همچنین در انتهای پرسشنامه تعارض از دانش‌آموزان خواسته شد تا تمایل خود را برای شرکت در مشاوره گروهی اعلام کنند.

بعد از دریافت رضایت نامه از ۸ نفر گروه آزمایش جلسات مشاوره گروهی

روان‌نمایشگری با این افراد جمعاً به مدت ۸ هفته متوالی و هر هفته ۹۰ دقیقه تشکیل شد. در ابتدای هر جلسه یک پذیرایی مقدماتی به عمل می‌آمد و بعد از آمادگی اعضا، مراحل مختلف کار انجام می‌شد. در طی فرایند جلسات روان‌نمایشگری سعی شده تا از طریق فنون مختلف مهارت‌های رفع تعارض نیز به اعضا آموزش داده شود. این مهارت‌ها عبارت بودند از:

- ۱- مثبت‌اندیشی
- ۲- انعطاف‌پذیری
- ۳- پرهیز از مقایسه
- ۴- مورد بحث قرار دادن مسائل و مشکلات
- ۵- صراحت بیان تقاضا به طرف مقابل
- ۶- احترام متقابل
- ۷- قبول اشتباهات خویش
- ۸- روش استراحت (تمرین استراحت) (آل یاسین، ۱۳۸۲).

۷ مورد اول در طی ۸ جلسه و در خلال به کارگیری فنون و همچنین در تجزیه و تحلیل‌های نهایی مورد بحث قرار گرفته می‌شد و تمرین استراحت نیز در پایان هر جلسه برای اعضا اجرا می‌شد. (شرح کامل مهارت‌های رفع تعارض در فصل دوم این تحقیق آمده است).

با توجه به ماهیت فرایند کار در جلسات روان‌نمایشگری که بر خودانگیزگی و خلاقیت استوار است (فتحی، ۱۳۸۰)، در هر جلسه با توجه به موقعیتی که اعضا پیش می‌آورند، فرایند جلسات و فنون مربوط به کار گرفته می‌شد و قبل از هر جلسه برنامه‌ای به عنوان فرایند کار از پیش طراحی نمی‌شد.

فنونی که در این جلسات اجرا شد از این قرار است: فن خود بازنمایی یا خود نمایشگری، فن وارونگی نقش، فن جفت، فن واقعیت‌بخشی یا محقق‌سازی، فن آینه، فن صندلی خالی.

جهت روشن شدن ساختار جلسات گروهی روان‌نمایشی، برای نمونه یکی از جلسات توضیح داده می‌شود:

در مرحله نخست جهت آشنایی و آماده‌سازی گروه، رهبر گروه بعد از پذیرایی مختصر به معرفی خود و افراد گروه پرداخت و در ادامه به اشاره مختصری به قوانین و مقررات گروه کرد. قوانین گروهی تک به تک برای گروه توضیح داده شد، جهت جلب اعتماد و اطمینان اعضای گروه، رهبر بر روی اولین و مهم‌ترین قانون گروهی (رازداری) تأکید خاصی داشت. بدین ترتیب که تمام اعضای گروه به اتفاق رهبر گروه قسم یاد

کردند که مسائلی که در طول جلسات بین اعضا مطرح می‌شود در جای دیگر بیان نگردد، مگر با اجازه فرد. در ادامه رهبر گروه به طور مختصر فرایند کار گروهی روان‌نمایشگری را برای اعضای گروه بازگو کرد. برای شروع کار، کارگردان (رهبر) از اعضا خواست تا به طور داوطلب آمادگی خود را به عنوان پروتاگونیست اعلام کنند. از بین ۸ نفر، ۶ نفر از اعضا آمادگی خود را اعلام کردند و از بین آن‌ها مریم برای ایفای نقش پروتاگونیست انتخاب شد.

پروتاگونیست در ابتدا شرح مختصری در ارتباط با موقعیت آزار دهنده و صحبت‌های رد و بدل شده بین خود و اعضای درگیر (با تاکید بر روی مادر) ارائه داد. در این راستا با انتخاب خود شخص اول من‌های یاور مشخص شدند. شخص اول با کمک من‌های یاور موقعیت مورد نظر را به نمایش در آورد و در حین اجرا شخص اول مواردی را که با موقعیت اصلی مغایرت داشت اصلاح کرد.

بعد از اجرا، رهبر یکی از من‌های یاور را انتخاب کرد تا عیناً رفتار شخص اول را نسبت به من‌های یاور (مادر) تکرار کند، از شخص اول نیز خواست تا با دقت به رفتارهای من‌های یاور در نقش شخص اول توجه کند (فن آیین). رهبر احساس شخص اول را جویا شد، در جواب بازیگر اصلی به این نکته اشاره داشت که (تا به حال از این دید به کار خودم نگاه نکرده بودم، شاید هم مقصر من بودم) در ادامه نیز رهبر گروه از شخص اول درخواست کرد تا موقعیتی که دوست داشت به جای موقعیت به وجود آمده، رخ دهد به تصویر کشد (فرافکنی درآینده). در ادامه تمامی اعضا دور هم نشستند و در رابطه با رفتارها و ادراک‌های شخص اول در رابطه با موقعیت مطرح شده به وی پس‌خوراند دادند.

## یافته‌های پژوهش

ابتدا به یافته‌های توصیفی اشاره می‌شود.

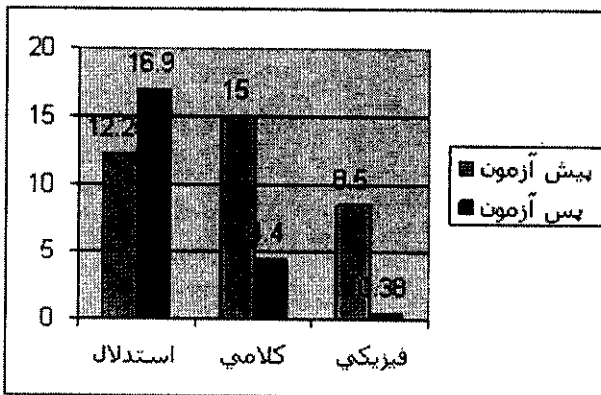
جدول شماره ۱ شامل میانگین و انحراف معیار نمره‌های آزمودنی‌های گروه آزمایش در خرده‌مقیاس‌های سه‌گانه در تعارض از دید خودم در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون است.



جدول شماره ۱- میانگین و انحراف معیار نمره‌های گروه آزمایش مربوط به عملکرد (خود) در شرایط تعارض

پس آزمون			پیش آزمون			
خشونت فیزیکی	خشونت کلامی	استدلال	خشونت فیزیکی	خشونت کلامی	استدلال	
۸	۸	۸	۸	۸	۸	تعداد
۰/۳۸	۴/۴۰	۱۶/۹۰	۸/۵	۱۵	۱۲/۲۵	میانگین
۱/۱۰	۳/۲۰	۴/۳۵	۳/۹۰	۳/۵۵	۶/۴	انحراف استاندارد

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین آزمودنی‌های گروه آزمایش در مرحله پیش‌آزمون در مقیاس استدلال ۱۲/۲۵ است. که در مرحله پس‌آزمون به ۱۶/۹۰ افزایش یافته است. این در حالی است که میانگین نمره‌های پیش‌آزمون خشونت کلامی خود در پیش‌آزمون ۱۵ بود، که در پس‌آزمون به ۴/۴۰ کاهش یافته است. میانگین نمره‌های خشونت فیزیکی فرد در پیش‌آزمون ۸/۵ است که در پس‌آزمون به ۰/۳۸ کاهش یافته است. انحراف معیار تمام نمره‌ها نیز در جدول ارائه شده است.



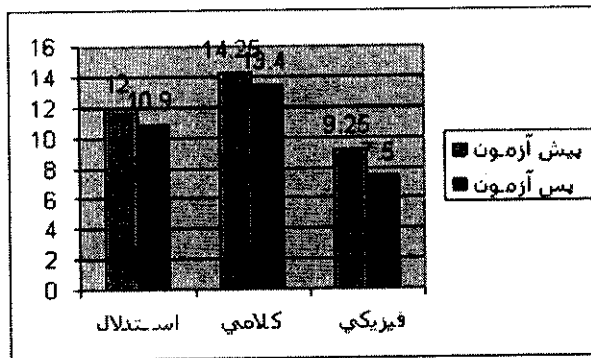
نمودار ۱-۴- میانگین نمرات سه مقیاس تعارض گروه آزمایش، در موقعیت پیش‌آزمون و پس‌آزمون (مربوط به عملکرد خود)

جدول شماره ۲ شامل میانگین و انحراف معیار نمره‌های آزمودنی‌های گروه گواه در قسمت «تعارض از دید خودم» آزمون تعارض والد/فرزند بر حسب مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون است.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار نمره های گروه گواه مربوط به عملکرد (خود) در شرایط تعارض

پس آزمون			پیش آزمون			
خشونت فیزیکی	خشونت کلامی	استدلال	خشونت فیزیکی	خشونت کلامی	استدلال	
۸	۸	۸	۸	۸	۸	تعداد
۷/۵۰	۱۳/۴۰	۱۰/۹۰	۹/۲۵	۱۴/۲۵	۱۲	میانگین
۵/۴	۳	۴/۸	۴	۲/۴	۲/۹	انحراف استاندارد

نتایج جدول ۲ نشان می دهد که میانگین نمره های آزمودنی ها در خرده مقیاس استدلال در قسمت خود در مراحل پیش و پس آزمون به ترتیب برابر ۱۲ و ۱۰/۹ است. این میانگین برای خرده مقیاس خشونت کلامی به ترتیب ۱۴/۲۵ و ۱۳/۴۰ است، در حالی که میانگین نمره های پیش آزمون و پس آزمون خرده مقیاس خشونت فیزیکی برابر ۹/۲۵ و ۷/۵ است. انحراف معیار نمره ها نیز در جدول ذکر شده است.



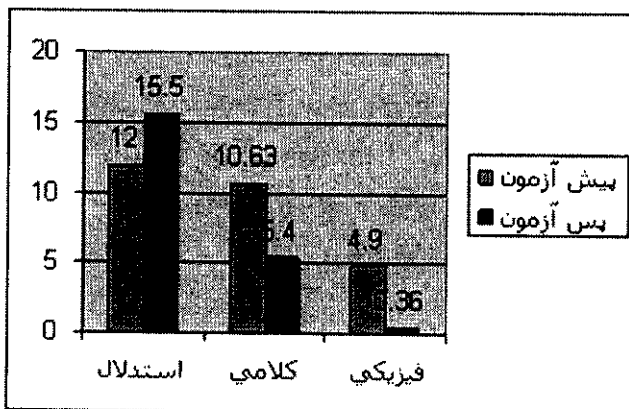
نمودار ۲-۴- میانگین نمرات سه مقیاس تعارض گروه گواه، در موقعیت پیش آزمون و پس آزمون (مربوط به عملکرد خود)

جدول شماره ۳ شامل میانگین و انحراف معیار نمره های آزمودنی های گروه آزمایش در قسمت «تعارض من از دید مادر» در آزمون تعارض والد/فرزند به تفکیک مراحل پیش آزمون و پس آزمون است.

جدول ۳- میانگین و انحراف استاندارد گروه آزمایش مربوط به عملکرد (مادر) در شرایط تعارض

پس آزمون			پیش آزمون			
خشونت فیزیکی	خشونت کلامی	استدلال	خشونت فیزیکی	خشونت کلامی	استدلال	
۸	۸	۸	۸	۸	۸	تعداد
۰/۳۶	۵/۴۰	۱۵/۵۰	۴/۹۰	۱۰/۶۳	۱۲	میانگین
۰/۷۴	۳/۵۰	۳/۴۰	۳/۶	۳/۱	۶/۷	انحراف استاندارد

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که در قسمت (مادر) آزمون روش‌های حل تعارض نیز میانگین نمره‌های پیش و پس آزمون استدلال مادر به ترتیب برابر با ۱۲ و ۱۵/۵۰ است که حاکی از افزایش نمره‌ها است. میانگین نمره‌ها در خرده مقیاس خشونت کلامی در مرحله پیش و پس آزمون به ترتیب برابر با ۱۰/۳۶ و ۵/۴۰ است. همچنین میانگین نمره‌ها در خرده مقیاس خشونت فیزیکی مادر در پیش آزمون ۴/۹۰ بوده که در مرحله پس آزمون به ۳/۶ کاهش یافته است. انحراف معیار تمامی میانگین‌ها در جدول درج شده است.



نمودار ۳-۴- میانگین نمرات سه مقیاس تعارض گروه آزمایش، در موقعیت پیش آزمون و پس آزمون (مربوط به عملکرد مادر)

جدول شماره ۴ میانگین و انحراف معیار نمره‌های آزمودنی‌های گروه گواه در قسمت «تعارض در قسمت مادر» آزمون تعارض والد/فرزند بر حسب مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون است.

جدول ۴- میانگین و انحراف معیار نمره‌های گروه گواه مربوط به عملکرد (مادر) در شرایط تعارض

پس‌ون		پیش‌آزمون				
خشونت فیزیکی	خشونت کلامی	استدلال	خشونت فیزیکی	خشونت کلامی	استدلال	
۸	۸	۸	۸	۸	۸	تعداد
۵/۰۰	۱۳/۲۵	۱۰/۱۳	۶/۴۰	۱۳/۲۵	۱۱/۶۳	میانگین
۲/۰۰	۳/۴۰	۳/۵۰	۱/۲	۳/۵	۱/۹	انحراف استاندارد

با توجه به نتایج جدول ۴ میانگین نمره‌های آزمودنی‌ها در قسمت (مادر) در خرده مقیاس استدلال در مرحله پیش‌آزمون برابر ۱۱/۶۳ و در مرحله پس‌آزمون برابر با ۱۰/۱۳ است. میانگین نمره‌های پیش‌آزمون خرده مقیاس خشونت کلامی مادر ۱۳/۲۵ است که در مرحله آزمون هم به همین میزان است. میانگین نمره‌های پیش‌آزمون خرده مقیاس خشونت فیزیکی مادر ۶/۴۰ است. این میانگین در مرحله پس‌آزمون به ۵ تقلیل یافته است.

انحراف معیار تمامی میانگین‌های مذکور نیز در جدول بالا آمده است.

در آزمون فرضیه‌ها جهت معنادار بودن یا نبودن این تفاوت‌ها از آزمون  $f$  تحلیل کوواریانس استفاده شده است. نتایج این آزمون در پاسخ به فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر است:

### فرضیه اول پژوهش

برنامه مشاوره‌ای روان‌نمایشگری باعث افزایش استفاده از راهبردهای استدلالی جهت رفع تعارض دختر در رابطه با مادر می‌شود.

جدول شماره ۵. تحلیل کوواریانس تاثیر عضویت گروهی بر افزایش میزان استفاده از استدلال توسط فرد

منبع تغییرات	متغیر وابسته	Df	میانگین مجذورات	F	معناداری	میزان تأثیر	توان آماری
نمرات پیش آزمون	استدلال	۱	۷۷/۳۷	۸/۹۰	۰/۰۱۸	۰/۵۳	۰/۷۴۲
	خشونت کلامی	۱	۴/۰۲	۰/۰۰۴	۰/۹۵۱	۰/۰۰۱	۱/۰۵۰
	خشونت فیزیکی	۱	۱۰/۷۸	۱/۲۳	۰/۳۰۰	۰/۱۳۴	۰/۱۶۶
عضویت گروهی	استدلال	۱	۸۶/۳۲	۹/۹۰	۰/۰۱۴	۰/۵۵۳	۰/۷۸/۶

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که تفاوت بین میانگین نمره‌های باقی مانده گروه آزمایش و گواه از لحاظ آماری معنادار است.

با مراجعه به جدول ۳ ملاحظه می‌شود که میانگین گروه آزمایش در مقیاس استدلال فرد، بیش از میانگین گروه گواه است، لذا فرضیه اول تأیید می‌شود ( $P < ۰/۰۵$ ) و نتیجه گرفته می‌شود که روان‌نمایشگری باعث افزایش میزان استفاده از راهبردهای استدلالی جهت حل تعارض فرد با والد در مرحله پس‌آزمون شده است. میزان این تأثیر ۵۵ درصد بوده و توان آماری آن (۷۸/۶٪) که بیانگر دقت آماری بالای این آزمون است. ضمن این که نتایج این جدول حاکی است که بین نمرات پیش‌آزمون استدلال فرد و نمره‌های پس‌آزمون استدلال فرد نیز رابطه معناداری وجود دارد. میزان رابطه کنترل شده نمره‌های پس‌آزمون و پیش‌آزمون دو گروه آزمایش و گواه ۵۳ درصد است.

### فرضیه دوم پژوهش

برنامه مشاوره‌ای روان‌نمایشگری باعث کاهش میزان استفاده از راهبردهای پرخاشگری کلامی جهت رفع تعارض دختر در رابطه با مادر می‌شود.

جدول شماره ۶- تحلیل کوواریانس تأثیر عضویت گروهی بر کاهش میزان استفاده از خشونت کلامی توسط فرد

منبع تغییرات	متغیر وابسته	Df	میانگین مجذورات	F	معناداری	میزان تأثیر	توان آماری
نمرات پیش‌آزمون	استدلال	۱	۴۰/۹	۵۶/۰	۴۷/۰	۰۶/۰	۱۰/۰
	خشونت کلامی	۱	۲۰/۹	۵۵/۰	۴۸/۰	۰۶/۰	۱۰/۰
	خشونت رفتاری	۱	۰۵/۵	۰۰۰/۰	۹۹/۰	۰۰۰/۰	۰۵/۰
عضویت گروهی	خشونت کلامی	۱	۱۳/۳۲۲	۴۰/۱۹	۰۰۲/۰	۷۱/۰	۹۷/۰

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که تفاوت مشاهده شده بین میانگین باقی مانده گروه آزمایش و گواه در نمره‌های خشونت کلامی خود با کنترل نمره‌های پیش‌آزمون از لحاظ آماری تفاوت معناداری را نشان می‌دهد و با مراجعه به جدول ۱ و ۲ مشاهده می‌شود که فرضیه دوم نیز تأیید می‌شود ( $P < ۰/۰۵$ ). لذا می‌توان گفت که روش روان‌نمایشگری باعث کاهش معنادار میزان خشونت کلامی آزمودنی‌ها در مقایسه با گروه گواه می‌شود. این روش به میزان ۵۵٪ باعث کاهش خشونت کلامی آزمودنی‌های گروه آزمایش شده است، توان آماری ۹۷٪ حاکی از دقت آماری بسیار بالای این آزمون است. میزان رابطه کنترل شده نمره‌های پس‌آزمون و پیش‌آزمون دو گروه آزمایش و گواه ۶ درصد است.

### فرضیه سوم پژوهش

برنامه مشاوره‌ای روان‌نمایشگری باعث کاهش میزان استفاده از راهبردهای پرخاشگری فیزیکی جهت رفع تعارض دختر در رابطه با مادر می‌شود.

جدول شماره ۷- تحلیل کوواریانس تأثیر عضویت گروهی بر کاهش میزان استفاده از خشونت فیزیکی توسط فرد

منبع تغییرات	متغیر وابسته	Df	میانگین مجذورات	F	معناداری	میزان تأثیر	توان آماری
نمرات پیش‌آزمون	استدلال	۱	۱۵/۸	۳۹/۰	۵۰/۰	۰۶/۰	۰۹/۰
	خشونت کلامی	۱	۷۱/۱۷	۰۷/۰	۳۳/۰	۱۲/۰	۱۵/۰
	خشونت فیزیکی	۱	۳۳/۴۴	۶۹/۲	۱۴/۰	۲۵/۰	۳۰/۰
عضویت گروهی	خشونت فیزیکی	۱	۵۵/۱۶۷	۱۶/۱۰	۰۱۳/۰	۵۶/۰	۸۰/۰

نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که با کنترل نمره‌های مرحله پیش‌آزمون، تفاوت میانگین باقیمانده نمره‌های آزمودنی‌های دو گروه در خرده مقیاس خشونت فیزیکی از لحاظ آماری، معنادار است و با مراجعه به جداول ۱ و ۲ نتیجه گرفته می‌شود که فرضیه سوم نیز تأیید می‌شود ( $P < ۰/۰۵$ ). پس روش روان‌نمایشگری در مرحله پس‌آزمون، باعث کاهش معنادار خشونت فیزیکی آزمودنی‌ها در جریان تعارض‌های دختر با مادر می‌شود. این روش قادر بوده است که ۵۶٪ خشونت فیزیکی افراد را کاهش دهد. توان آماری این آزمون نیز ۸۰٪ است که حاکی از یک توان آماری مطلوب می‌باشد.

میزان رابطه کنترل شده نمره‌های پس‌آزمون و پیش‌آزمون دو گروه آزمایش و گواه ۶ درصد است.

### بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به فرضیه اول این تحقیق که بر تأثیر برنامه مشاوره‌ای روان‌نمایشگری بر افزایش استفاده از راهبردهای استدلالی جهت رفع تعارض دختر با مادر اشاره دارد، می‌توان گفت که روش روان‌نمایشگری باعث افزایش بینش و درک مراجع از رفتار خود و اطرافیان می‌شود و در رابطه با فرضیه بالا به میزان ۵۵٪ باعث افزایش استفاده از راهبردهای استدلالی جهت برطرف کردن تعارض دختر با مادر می‌شود. نتایج به دست

آمده در رابطه با فرضیه اول را می‌توان با یافته‌هایی که در این حیطه به دست آمده، همسو دانست که بدین شرح اند:

الهی، اصغر (۱۳۷۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «نمایش درمانی‌های بومی» به این مسئله اشاره دارد که سایکودراما باعث می‌شود ویژگی‌های ارتباطی بین فردی بررسی شود و درک مراجع از رفتار طرف مقابل برای بهبود این رابطه‌ها ارزیابی و تصحیح شود.

همین‌طور در کتاب نقش سایکودراما در درمان بیماری‌های روانی به این نکته اشاره شده است که اگر ارتباط مراجع با واقعیت پیرامون خودش قطع نشده و تنها در زمینه برقراری ارتباط و سازگاری با اطرافیان و محیط دچار اشکال شده باشد و مراجع احساس ناخوشایندی را به‌طور مداوم در درون خویش تجربه کند، در این صورت به کار بردن روش سایکودراما می‌تواند در درمان مراجع موثر باشد (بلانر، ۱۳۷۰). در این راستا یافته‌های تحقیق، (فتحی، بی‌تا، و یثربی، ۱۳۸۰) نتایج به‌دست آمده از فرضیه یک این تحقیق را حمایت می‌کنند.

**فرضیه دوم** این بود که: برنامه مشاوره‌ای روان‌نمایشگری باعث کاهش میزان استفاده از راهبردهای پرخاشگری کلامی جهت رفع تعارض دختر در رابطه با مادر می‌شود. نتایج تحقیق دال بر این است که با به‌کارگیری این روش، پرخاشگری کلامی دختران با مادران به میزان ۷۱٪ کاهش یافته است و نتایج به‌دست آمده بر تایید شدن این فرضیه دلالت دارند.

در این زمینه بالایان (۱۳۷۱) در مقاله خود تحت عنوان نقش پسیکودراما در کشف عقده‌های روانی به این نکته اشاره دارد. زمانی که عقده‌های روانی افراد به صورت کلامی خود را بروز می‌دهند باعث می‌شود که این عقده‌ها از این طریق به کلی رفع شوند و یا حداقل از شدت و حدت آن‌ها کاسته شود این روند به بهترین شکل خود می‌تواند در جلسات پسیکودراما تحقق یابد در این راستا یافته‌های تحقیق (بالایان، ۱۳۷۱؛ داجو، ۱۳۷۶) و تجربه شخصی مورینو (بنیانگذار سایکودراما) (پوررضائیان، ۱۳۸۱) از نتایج حاصل پشتیبانی می‌کنند.

**فرضیه سوم:** بر این موضوع اشاره دارد که روان‌نمایشگری بر کاهش استفاده از راهبردهای پرخاشگری فیزیکی جهت رفع تعارض دختر در رابطه با مادر تاثیر دارد. نتایج به‌دست آمده از آزمون این فرضیه نشان می‌دهد که این تاثیر به میزان ۵۶٪ وجود دارد. در



این رابطه، پژوهشگر تحقیقی که صرفاً در زمینه اثر بخشی روش روان‌نمایشگری بر کاهش خشونت فیزیکی مراجع انجام شده باشد نیافته است. اما با این حال نتایج این فرضیه را می‌توان همسو دانست، با این یافته که تئاتر درمانی راهی است به دنیای پرشور ناخودآگاه مراجع که به وسیله بازآفرینی نقش خود بر صحنه تئاتر به عرصه ظهور می‌رسد، این روش نوعی اصلاح رفتار است. روان‌نمایشگری در حیطه روان‌شناسی، به نوعی (کاهش تنش) معروف است و بر خلاف روش روانکاوی است که (کلام) مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند. در این روش (عمل) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و از این طریق فرد با نقش‌های گوناگون مربوط به خود، به گونه‌ای خود انگیزته بازی می‌کند و با آزاد کردن هیجان‌ها و احساس‌های سرکوب شده خود به عقده‌گشایی می‌پردازد. این اصل به ماهیت فرضیه پالایش روانی مربوط می‌شود. بیرون ریختن هیجان‌های واپس زده شده به فرد آرامش خاصی می‌دهد و این روند می‌تواند پرخاشگری‌های فیزیکی و رفتاری مراجع را نیز در بر بگیرد. لذا با این اوصاف می‌توان گفت روش روان‌نمایشگری توانایی کاهش پرخاشگری‌های فیزیکی شخص اول را دارد (یثربی، ۱۳۸۰).

## منابع

- آل یاسین، م. (۱۳۸۲). کلید طلایی ارتباطات. تهران: انتشارات هامون.
- احمدی، ا. (۱۳۷۱). روان‌شناسی نوجوانان و جوانان. تهران: انتشارات مشعل.
- اکبری، ا. (۱۳۸۱). مشکلات نوجوانی و جوانی. تهران: انتشارات ساوالان.
- الهی، ا. (۱۳۷۳). نمایش درمانی‌های بومی. تهران: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- بالایان، م. (۱۳۷۱). نقش پسیکودرام در کشف عقده‌های روانی. تهران: انتشارات مجله گسترش.
- بلانر، ه. (۱۳۷۰). تئاتر درمانی. ترجمه ح. حق‌شناس. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پوررضائیان، م. (۱۳۸۱). درسنامه جامع سایکودراما. ماهنامه تخصصی تئاتر، ۵(۳)، ۱۵-۱۶.

- ثنایی، ب. (۱۳۷۹). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.
- جعفری، ا. (۱۳۸۳). تعارض والد و فرزند. مصاحبه، اصفهان. ۱۰ اردیبهشت.
- دادجو، ز. (۱۳۷۶). علل موثر بر پیدایش اضطراب مدرسه دانش‌آموزان و اثر بخشی روش سایکودراما در درمان حالات اضطرابی آن‌ها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد (چاپ نشده). دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگده علوم تربیتی.
- شاملو، س. (۱۳۷۷). روان‌شناسی شخصیت. تهران: انتشارات رشد.
- عظیمی، س. (۱۳۵۵). روان‌شناسی کودک. تهران: انتشارات افسر.
- عظیمی، س. (۱۳۷۰). روان‌شناسی عمومی. تهران: انتشارات صفار.
- عمید، ح. (۱۳۷۲). فرهنگ عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فتحی، ط. (۱۳۸۰). پسیکودرام. تهران: انتشارات سپند هنر.
- فتحی، ط. محمد جواد روشنفکر (بی تا). فیلم آموزشی سایکودراما. سازمان آموزش و پرورش.
- کیهان‌نیا، ا. (۱۳۷۶). نوجوانان چه می‌گویند. تهران: انتشارات مادر.
- هی‌لی، ج. (۱۳۷۵). روان‌درمانی خانواده. ترجمه ب. ثنائی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- یثربی، ج. (۱۳۸۰). مجله صحنه. تهران: حوزه هنری.

- Loughlin, N. (1992). A trial of the use of psychodrama for women with alcohol problems. *Pediatr Nurs.* 19 (1), 55-63.
- Reazaeian, M. P. (1997). The usefulness of psychodrama in the treatment of depressed patients. *Indian Journal of Clinical Psychology*, 24 (1), 80-82.
- Reiesch, S. K. & Jackson, N. M. & Chanchong, W. (2003). Communication approaches to parent - child conflict: Young adolescence to young adult. *Pediatr Nurs.* 18 (4), 244-256.
- Stewart, W. (2001). *An A-Z of counseling theory and practice*. UK: Netson Thhornes.